



A Framework for Multifaceted Relations Between the Russian Federation and the Persian Gulf Littoral States

Mohammad Mahdi Emadi Moghaddam

M.A. Student in International Relations, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Abstract

The Russian Federation, as one of the contemporary great powers, has consistently demonstrated through various geopolitical contexts that it considers active presence in strategically vital regions particularly the Persian Gulf and its littoral states a national imperative. Moscow's strategic objectives toward the Persian Gulf region are fundamentally structured around three core principles: (1) ensuring the security of Russia's southern bordering states, (2) cultivating regional alliances, and (3) countering United States influence in the region. The Gulf littoral states have historically failed to establish a comprehensive regional institution encompassing all coastal nations while simultaneously coordinating their interactions with external powers and extra-regional actors. Certain regional states - notably the UAE and Saudi Arabia - recognize that their multidimensional economic, political, military, and security objectives can only be realized through external patronage. For a great power to remain competitive in international rivalries, it must secure entrenched positions within critical geopolitical spheres. The Persian Gulf, as the epicenter of global energy commerce and a linchpin of Southwest Asian security architecture, has perennially served as an arena for great power and superpower contention. Despite the United States maintaining the most substantial and tangible regional presence, Russia has systematically leveraged every strategic opportunity in recent decades to reassert its influence in this critical theater.

Keywords: Russia, Russian Federation, Persian Gulf, Politics, Economy





چهارچوبی برای مناسبات چندبُعدی فدراسیون روسیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس

محمد مهدی عمادی مقدم

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

فدراسیون روسیه به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ عصر حاضر، در موقعیت‌های مختلف نشان داده است که حضور فعال در مناطق راهبردی جهان، مخصوصاً خلیج فارس و کشورهای حاشیه آن را برای خود یک امر حیاتی تلقی می‌کند. خواسته‌های فدراسیون روسیه در قبال منطقه خلیج فارس، بر مبنای سه اصل شکل گرفته است: «تأمین امنیت کشورهای جنوب روسیه، جذب متحدان منطقه‌ای و مقابله با نفوذ ایالات متحده آمریکا در منطقه». کشورهای حاشیه خلیج فارس، هرگز نتوانسته‌اند یک نهاد منطقه‌ای فراگیر را به وجود بیاورند که هم شامل تمام کشورهای اطراف خلیج فارس باشد و هم بتواند تعامل این کشورها را با قدرت‌های بزرگ و کشورهای خارج از این ناحیه، هماهنگ نماید. از طرفی برخی از کشورهای منطقه، همچون امارات و عربستان، می‌دانند که تنها در سایه حمایت خارجی می‌توانند اهداف خود را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی، محقق نمایند. یک قدرت بزرگ اگر بخواهد در رقابت‌های بین‌المللی از قدرت‌های دیگر عقب نماند، باید جایگاهی محکم در مناطق ژئوپلیتیک دنیا داشته باشد؛ خلیج فارس نیز به عنوان یک منطقه منحصربه‌فرد در زمینه تجارت انرژی و امنیت جنوب غرب آسیا، از دیرباز عرصه رویارویی قدرت‌های بزرگ و ابرقدرت‌ها بوده است؛ در شرایط فعلی نیز با وجود آنکه ایالات متحده آمریکا، بیشترین و ملموس‌ترین حضور را در این منطقه دارد، اما روسیه نیز طی دهه‌های اخیر از هر فرصتی استفاده کرده تا نفوذ خود را در این ناحیه احیا نمایند.

کلیدواژه‌ها: روسیه، فدراسیون روسیه، خلیج فارس، سیاست، اقتصاد.



مقدمه

بازگشت روسیه به عرصه بین‌الملل بعد از سکون و انفعال چندساله‌ای که در پی فروپاشی شوروی در سیاست خارجی این کشور حادث شد، دو تحول بزرگ را در نظام بین‌الملل به دنبال داشت؛ روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ، با نگاه واقع‌بینانه مخصوص به خود به مناسبات جهانی بازگشته بود؛ حال آنکه دیگر وقایع را تنها از منظر ایدئولوژیک تحلیل نمی‌کرد؛ از طرفی توجه ویژه به منازعات ژئوپلیتیکی، این کشور را در روابط خود با قدرت‌های بزرگ و ایفای نقش در شکل‌دهی به آینده نظام بین‌الملل، با چالش‌های سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی مواجه نمود (Alqedra, 2022). عمده این چالش‌ها و درگیری‌ها نیز ناشی از نگاه جدید روسیه به نظام جهانی است؛ فدراسیون روسیه در حال حاضر، ایجاد جهانی چندقطبی و بازآرایی قدرت در مناطق مختلف دنیا را به دو طریق دنبال می‌کند؛

۱. همکاری با قدرت‌های بزرگ و کشورهای در حال توسعه؛

۲. تشکیل نهادهای همگرایانه نظیر بلوک بریکس (Ahmed & Salih, 2022).

شاهدی بر این امر، اظهارات «یوگنی پریماکوف»، نخست‌وزیر سابق روسیه است که سه کشور هند، چین و روسیه را به‌عنوان قطب‌های چندگانه و ضد هژمون برای بنیانگذاری یک نظم نوین جهانی تلقی کرده و اولویت‌های دستگاه سیاست خارجی روسیه را در همین راستا تعریف نمود (Varma, 2022).

روسیه دیگر یک قدرت حاشیه‌ای نیست و تمایل دارد که همچون یک قدرت بزرگ، در سیاست بین‌الملل به ایفای نقش پردازد؛ پس از فروپاشی شوروی و در عصر اوج قدرت‌نمایی ایالات متحده آمریکا، روسیه مخالفت علنی خود با نظام تک‌قطبی جهانی را آشکار نمود و یک نظم بین‌المللی چندقطبی را مطالبه می‌کرد که جایگاه روسیه در آن محترم شمرده شود. نخبگان روسیه می‌دانند که تعامل با قدرت‌های بزرگ و در حال توسعه برای رسیدن به چنان جایگاهی لازم است (Alqedra, 2022). چراکه تمرکز بر مناطق ژئواستراتژیک جهان، الگوی تعامل و تقابل بین قدرت‌های بزرگ ایالات متحده و روسیه را تحت الشعاع قرار داده است. امروزه، این رقابت‌ها از نظر جغرافیایی، آفریقای شمالی، شرق آسیا، غرب آسیا، آسیای مرکزی و قفقاز، اروپای شرقی، دریای بالتیک، آمریکای لاتین و حتی قطب جنوب و فضا را در بر گرفته است. اما در میان این مناطق، در ناحیه غرب آسیا و حاشیه خلیج فارس، رقابت‌های بین روسیه و ایالات متحده، ابعاد و الگوهای تازه و منحصر به فردی را دنبال

می‌کند (Eskandari et al., 2022). ابزارهای روسیه برای افزایش نفوذ ژئوپلیتیک خود در مناطق راهبردی مختلف دنیا «وسعت جغرافیایی، منابع انرژی فراوان، قابلیت‌های هسته‌ای- نظامی و اعتبار سیاسی روسیه» است؛ رهبران این کشور باور دارند که با ایجاد شبکه‌ای از اتحادها و مناسبات بین‌المللی می‌توانند شرایط رقابت با غرب را به نفع خود تغییر دهند. اظهارات مقامات روسی نظیر یادداشت «مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه» که در نوامبر ۲۰۱۶ توسط ولادیمیر پوتین ارائه شد و یادداشت معروف «اصول مدودوف» در اکتبر ۲۰۲۱ نیز شواهدی بر اهمیت این استراتژی در سیاست خارجی روسیه هستند (Alqedra, 2022).

۱. مبانی نظری

روسیه عزم خود را برای ایفای نقش در مناطق ژئواستراتژیک جهان جزم کرده است و یکی از مهم‌ترین راه‌های روسیه برای پیشبرد این سیاست، تسلط بر جریان انتقال انرژی در سطح جهانی است (Ahmed & Salih, 2022). کنترل و اعمال نفوذ بر چرخه سوخت جهانی در کنار صادرات عظیم حامل‌های انرژی را می‌توان یک عامل مهم برای شکوفایی اقتصادی روسیه طی دهه‌های اخیر تلقی کرد. این ابزار اقتصادی زمینه‌ای برای «قدرت‌نمایی سیاسی در مناطق وابسته و کشورهای واردکننده و همچنین دستیابی به اهداف راهبردی» فراهم نموده که روسیه، با تکیه بر آن، به یک قدرت بزرگ در عرصه جهانی تبدیل شده است (Godzimirski, 2022). روسیه به‌خوبی از این نکته آگاه است که تغییر قیمت نفت در یک نقطه از جهان، نه تنها بر قیمت نفت در همه جهان، بلکه بر ارزش هزاران کالای وابسته به آن نیز تأثیر می‌گذارد. به همین ترتیب، اگر قیمت سوخت به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یابد، بازارهای اقتصادی در روسیه و کشورهای که وابستگی اقتصادی متقابل با آن دارند، شوک‌های عظیمی را متحمل خواهند شد؛ کما اینکه این واقعه، پس از آغاز عملیات ویژه روسیه در اوکراین نیز تحقق یافت و منجر به بی‌ثباتی چند اقتصاد بزرگ جهان شد (Mbah & Wasum, 2022).

روسیه قصد دارد با کاهش دسترسی اروپا به حامل‌های انرژی، با تشدید آثار اقتصادی منفی این بحران، غربی‌ها را تحت فشار بگذارد تا در برابر خواسته‌های روسیه، کوتاه بیایند. بسیاری از کشورهای اروپایی نظیر لیتوانی، یونان، اتریش، اسلوانی، اسلواکی، مجارستان، آلمان، هلند، کرواسی، لهستان، جمهوری چک و رومانی در طول چند دهه اخیر، به سوخت روسیه وابسته‌تر شده‌اند و در

حال حاضر، همین وابستگی‌ها را در برابر تهدیدات و باج‌خواهی روسیه برای دستیابی به اهداف سیاسی‌اش، آسیب‌پذیر کرده است (Arman & Gursoy, 2022).

واکنش آمریکایی‌ها و کشورهای اروپایی در قبال حوادث ذکرشده تحریم‌های گسترده‌ای بود که تأثیرات منفی بسیاری را متوجه اقتصاد روسیه نمود اما به دنبال آن، زنجیره تأمین سوخت و مواد غذایی در جهان را هم با مشکلاتی مواجه کرده است؛ تا جایی که بسیاری از کارشناسان معتقدند که تحریم روسیه، بهینه‌ترین راه‌حل ممکن در قبال بحران اوکراین نیست زیرا بسیاری از کشورهایی که درگیر این مناقشه نیستند نیز تحت تأثیرات منفی ناشی از این تحریم‌ها قرار می‌گیرند (Ozili, 2022). روسیه علاوه بر صادرات انرژی، یک توانمندی اقتصادی-سیاسی مهم دیگر هم دارد و آن ظرفیت بالای عرضه مواد غذایی و مخصوصاً گندم است.

روسیه بزرگ‌ترین تأمین‌کننده گندم دنیاست که به همراه اوکراین، جمعاً ۲۵ درصد صادرات جهانی گندم را به خود اختصاص داده‌اند (Mbah & Wasum, 2022).

کاهش مداوم ارزش روبل روسیه از سال ۲۰۱۴، رقابت‌پذیری محصولات صادراتی روسیه در بازارهای بین‌المللی را تقویت کرده است. علاوه بر این، روسیه به دلیل نزدیکی جغرافیایی به مقاصد مهم صادرات غلات و مواد غذایی خود مثل کشورهای جنوب غرب آسیا، مخصوصاً عربستان و امارات، در مقایسه با سایر رقبای خود مثل فرانسه، استرالیا و ایالات متحده از مزایایی کم بودن هزینه حمل‌ونقل سود می‌برند. این دو عامل، فاکتورهای مهمی برای شناخت علت کشش بازارهای جهانی نسبت به محصولات روسیه است (Heigermoser et al, 2022, p.256).

روسیه بعد از تضعیف شرکای دیرینه‌اش به دلیل ناآرامی‌های داخلی (لیبی) و تحریم‌های بین‌المللی (ایران و عراق) و اعمال تحریم‌های اروپایی و آمریکایی علیه فدراسیون روسیه، مجبور به جستجوی بازارهای اقتصادی جدید شده است. رهبران روسیه نیز بر این امر واقف‌اند که برای ایجاد یک اقتصاد مدرن و درخور یک قدرت جهانی، ناچارند از خام‌فروشی و تجارت محدود به چند محصول خاص، به سمت «تنوع‌بخشی به صادرات خود» حرکت کنند.

این برنامه، شکوفایی اقتصادی را در روسیه در پی خواهد داشت که در کنار برقراری نظم بین‌المللی چندقطبی و حفظ امنیت ملی و تمامیت ارضی روسیه، می‌تواند انتظارات اصلی فدراسیون روسیه را برآورده سازد (Alqedra, 2022). در این میان، سند «استراتژی امنیت اقتصادی روسیه» که از سوی مقامات دولتی فدراسیون روسیه در سال ۲۰۱۷ منتشر شد، اهمیت «تسلط و اعمال نفوذ بر

جریان انرژی، کنترل قیمت سوخت در بازارهای دنیا و مدیریت تقاضای جهانی برای نفت و گاز طبیعی» را برای ما آشکار می‌سازد (Godzimirski, 2022).

روابط روسیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس به عنوان عرضه‌کنندگان مطرح حامل‌های انرژی، می‌تواند عامل مهمی برای تحقق تمایلات روسیه باشد؛ هرچند لازم به ذکر است که تحلیل مناسبات روسیه و این کشورها، با تحلیل تعاملات بین کشورهای حاشیه خلیج فارس و ایالات متحده، گره‌خورده است و شواهد نشان داده است که نگاه متقابل روسیه و برخی کشورهای منطقه به هم، بنابر ملاحظات ناشی از حضور امنیتی آمریکا، در نوسان بوده و در درازمدت، روند ثابتی نداشته است (Weiss & Greene, 2022).

۲. راهبرد روسیه در سطح منطقه خلیج فارس

سیاست خارجی روسیه در منطقه خلیج فارس، از دیرباز بر اساس این سه محور شکل گرفته است: «حفظ امنیت کشورهای جنوب روسیه، جذب متحدان منطقه‌ای و تقابل با جایگاه آمریکا» (Bidi, 2022). شاید برای اولین بار، اهمیت این محورهای چندگانه را می‌توان در صحبت‌های «ایگور ایوانف»، وزیر امور خارجه روسیه در سال ۲۰۰۱ استنباط کرد که لزوم برپایی ارتش بزرگی از متخصصان واجد شرایط و تجهیز شرکت‌های بزرگ صنعتی جهت حمایت از اقتصادهای متحدین روسیه در منطقه جنوب غرب آسیا را تبیین نمود (Varma, 2022).

روسیه طی دهه‌های اخیر، تلاش خود را معطوف به این امر کرده است که بر سر تقسیم جنوب غرب آسیا با ایالات متحده به توافق برسد و متحدین منطقه‌ای روسیه مثل ایران، می‌توانند به روسیه در تحقق این هدف کمک نمایند؛ لازم به ذکر است که روس‌ها، به ایران به عنوان یک نیروی تعیین‌کننده در منطقه نگاه می‌کنند و به دنبال استفاده از نفوذ ایران برای رقابت با آمریکا در جنوب غرب آسیا هستند. دغدغه‌های مشترک برخی کشورهای منطقه و روسیه، نظیر «ممانعت از مداخله قدرت‌های فرا منطقه‌ای مثل ایالات متحده، حفظ وضعیت ژئوپلیتیکی موجود در منطقه، استقلال حاکمیت‌های ملی و مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی» زمینه‌ساز همکاری‌های بلندمدت دولت‌های جنوب غرب آسیا (مخصوصاً ایران) و فدراسیون روسیه در قبال بحران‌های منطقه‌ای شده‌اند (Eskandari et al, 2022).

دولت‌های جنوب غرب آسیا، هرگز نتوانسته‌اند منطقه‌گرایی را در قالب یک نهاد کارآمد و مؤثر که شامل همه کشورهای این ناحیه باشد، به‌درستی پیاده کنند و همین مسئله سبب گشته تا تسلط قدرت‌های بزرگ، باوجود افت‌وخیزهای تاریخی، همچنان بر این ناحیه باقی بماند؛ برخی کشورهای منطقه نیز با علم به اینکه «تنها در سایه یک حامی خارجی می‌توانند به امنیت، شهرت و اعتبار جهانی مدنظر خود برسند»، بی‌میل به نفوذ و حضور این نیروهای خارجی نیستند. البته ایالات متحده به‌عنوان یک قطب جهانی که بیشترین نفوذ را در منطقه دارد، طی سالیان اخیر، رفتارهایی از خود بروز داده که شک و تردید کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را علیه خود برانگیخته است. «عبور از حسنی مبارک و عدم حمایت از او، مذاکره با ایران بدون در نظر گرفتن خواسته‌های دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس و رویکرد ترامپ مبنی بر فروش امنیت در قبال سرمایه بیشتر» ازجمله اقداماتی هستند که می‌توانند گواهی بر این شک و تردید تلقی شوند (Sim & Fulton, 2022).

آنچه در منطقه خلیج فارس مشهود است این است که اقتدار و موضع سیاسی- نظامی آمریکا در منطقه، نسبت به قبل تضعیف گشته و با این وضعیت، حضور روسیه در این ناحیه می‌تواند چالش‌های زیادی برای آمریکا در پی داشته باشد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در دسامبر ۲۰۱۷ در سندی تحت عنوان «استراتژی امنیت ملی»، روسیه را نقطه متضاد ارزش‌ها و منافع آمریکا در منطقه می‌داند. به عقیده آمریکایی‌ها، روسیه سعی دارد یک حوزه نفوذ گسترده در این ناحیه به وجود بیاورد و از این طریق، جایگاه مستحکم خود در زمان شوروی سابق را دوباره احیا کند. سند «دستورالعمل استراتژیک امنیت ملی موقت» که توسط «جو بایدن» در مارس ۲۰۲۱ ارائه شد نیز روسیه را «مصمم برای بر هم زدن نظام فعلی تحت نفوذ آمریکا در جهت تقویت نفوذ بین‌المللی خود» دانست. هشدارهای مداوم فرماندهان نظامی آمریکا در منطقه، مخصوصاً «ژنرال مکنزی» فرمانده سابق نیروهای سنتکام نیز حاکی از آن است که روسیه، مستقیماً منافع آمریکا در منطقه را به چالش کشیده است. سیاست خارجی فعال روسیه در کشورهای حاشیه خلیج فارس، با تکیه بر روش‌های دیپلماتیک و همکاری‌های نظامی و اقتصادی توانسته است بخش زیادی از اقتدار روسیه را بازگرداند؛ سند «مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه» که توسط ولادیمیر پوتین در نوامبر ۲۰۱۶ منتشر شد، روسیه را ملزم به ایفای نقش برای تأمین ثبات و امنیت در کل جنوب غرب آسیا با تکیه بر همکاری‌های چندجانبه می‌نماید. طبق این سند، روسیه بر اساس اصل احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت و استقلال کشورها، به مقابله با تهدیدهای ناشی از فعالیت‌های



تروریستی در این منطقه خواهد پرداخت (Batyuka & Morozova, 2022). الزامات امنیتی فوق، در کنار ضرورت شکل‌دهی به همکاری‌ها در حوزه انرژی و به دست آوردن بازارهای جدید برای تأمین اهداف تجاری و سیاسی، روسیه را ملزم به برقراری روابط نزدیک و قوی با کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌نماید (Bidi, 2022).

تحولاتی هم که در این منطقه در چند سال گذشته رخ داده است، روسیه را برای کسب نفوذ در منطقه امیدوارتر کرده است؛ البته اگر بخواهیم به اولین همکاری‌های بین روسیه و شورای همکاری خلیج فارس اشاره کنیم، باید به زمانی برگردیم که روسیه از بحران چچن عبور کرده و با تکیه بر جهان‌بینی ولادیمیر پوتین و کادر همراهش، اولین گام‌ها را در جهت تقویت روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس برداشته است (Alqedra, 2022).

اتفاقاتی مثل جنگ داخلی سوریه، به فدراسیون روسیه این فرصت را داد تا به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد برای کشورهای منطقه ظاهر شود؛ آن‌هم در زمانی که دولت‌های آمریکا، دائماً از خروج از منطقه حرف می‌زدند و تأمین امنیت متحدانشان را تبدیل به یک منبع درآمد برای خودشان کرده بودند (Bidi, 2022). رهبران روسیه نیز با علم نسبت به تمایل آمریکایی‌ها به خروج از منطقه و تمرکز بر جنوب شرق آسیا، قصد دارند از فرصت پیش‌آمده استفاده نموده و چهارچوب رقابت با ایالات متحده در جنوب غرب آسیا را به نفع خود، تغییر دهند. رهبران روسیه می‌خواهند که به‌عنوان یک قدرت جهانی، جایگاهشان محترم شمرده شود (Bidi, 2022).

به همین خاطر اگر لازم بدانند حتی از انجام اقدامات نظامی هم فروگذار نخواهند بود؛ کما اینکه طی دهه‌های اخیر، هم‌زمان و به موازات آمریکایی‌ها، می‌توانیم شاهد عملیات نظامی روسیه در اقصی نقاط جنوب غرب آسیا باشیم (Varma, 2022).

فعالیت‌هایی از این قبیل فرصتی برای روسیه فراهم کرده تا نقش مهمی در برقراری توازن قدرت و حل بحران‌های منطقه خلیج فارس پیدا نماید. و حضور سیاسی، اقتصادی و نظامی در نقاط مختلف نظام بین‌الملل، یکی از لوازم اصلی روسیه برای رسیدن به جایگاه یک ابرقدرت در سطح کل دنیاست (Alqedra, 2022). روسیه بر اساس همین رویکرد، مناسبات راهبردی بسیاری را با کشورهای حاشیه خلیج فارس، مخصوصاً ایران، عراق و امارات برقرار کرده است و لازم به ذکر است که این روابط، تنها به حوزه‌های اقتصادی و تجاری محدود نیستند بلکه در عرصه‌های نظامی و امنیتی هم تعاملات بسیاری با کشورهای مذکور داشته است. نباید از ذکر این نکته غافل شد که محدود نمودن قدرت

اعمال نفوذ آمریکا و یک‌جانبه‌گرایی این کشور در خلیج فارس جزو اولویت‌های روسیه است و همکاری‌های راهبردی با کشورهای منطقه، گام مهمی در جهت این دغدغه روس‌ها به شمار می‌آید. کشورهای عربی این منطقه نیز در راستای تنوع‌بخشی به شرکای استراتژیک خود و تحقق جاه‌طلبی‌های خود، صلاح می‌دانند که به‌مرورزمان، روابطشان را با فدراسیون روسیه تقویت نمایند. اعراب حاشیه خلیج فارس می‌دانند که امنیت و ثباتشان با امنیت و ثبات کشورهای حاشیه این منطقه گره‌خورده است و برای مهار ناآرامی‌ها در سوریه، عراق، یمن و لیبی، باید منافع و رضایت مسکو را هم در نظر بگیرند (Sim & Fulton, 2022).

البته نگاه این کشورها به روسیه، کمابیش نوساناتی هم داشته است، این مسئله بیشتر در روابط ایران و روسیه مشهود است. نشانه‌هایی از بی‌اعتمادی نسبت به یکدیگر را می‌توان در نظرات نخبگان دو کشور مشاهده کرد. نخبگان سیاسی روسیه معتقدند که ایران، نهایتاً همکاری با غرب را به همکاری با روسیه ترجیح خواهد داد و سیاسیون ایران نیز روسیه را کشوری غیرقابل اعتماد می‌دانند که همواره از اختلافات ایران با غرب سود برده است؛ ایرانیان نگران‌اند که روسیه با وابسته‌تر کردن هرچه بیشتر ایران به خود، استقلال ایران را زیر سؤال ببرد (Eskandari et al, 2022)؛ روسیه برای رسیدن به اهدافش در منطقه خلیج فارس، باید چنین تردیدهایی را رفع کند و تنها در این صورت است که قادر خواهد بود جای پای محکمی در کشورهای این ناحیه به دست آورد؛ این کشورها می‌توانند نقش منحصربه‌فردی در سیاست جهانی و رقابت‌های روسیه و آمریکا ایفا کنند (Galeeva, 2022). اتفاقاً بخش عظیمی از تعاملات روسیه و کشورهای اطراف خلیج فارس با توجه به تقابل فدراسیون روسیه با خواسته‌های غرب قابل درک است (Eskandari et al, 2022)؛ روسیه با حمله سال ۲۰۰۳ توسط آمریکا و متحدانش به عراق مخالف بود و بعد از ماجراجویی‌های آمریکا در عراق هم با روش‌های مختلف به این دولت عراق کمک کرده است و بارها تلاش نموده تا بحران مذکور، نه با عملیات نظامی بلکه در چهارچوب نهادهای بین‌المللی و احترام به حاکمیت عراق، حل و فصل شود. روسیه با استقرار پایگاه‌های نظامی دائمی در عراق مخالفت کرد و از پذیرش ادعاهای آمریکا مبنی بر معرفی ایران، عراق و کره شمالی به‌عنوان «محور شرارت» سر باز زد. روسیه حضور آمریکا در عراق و خلیج فارس را مقدمه‌ای برای تحت فشار گذاشتن ایران و گسترش نفوذ خود در سه منطقه آسیای مرکزی، دریای سیاه و قفقاز می‌داند که این مناطق سه‌گانه دلیل هم‌جواری با مرزهای فدراسیون، اهمیت بالایی برای روسیه دارند (Ahmed & Salih, 2022).



کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز در موقعیت‌های مختلف نشان داده‌اند که در هر شرایطی، حاضر به همراهی با آمریکا نیستند و همراهیشان با ایالات متحده حدودمرزی دارد؛ همکاری‌های متعددی که در چهارچوب اوپک پلاس با روسیه داشته‌اند و عدم همکاری با سیاست اعمال محدودیت علیه روسیه و منزوی ساختن آن را می‌توان به‌عنوان مصادیق مخالفت کشورهای اطراف خلیج فارس با خواسته‌های ایالات متحده آمریکا برشمرد.

گسترش روابط تجاری و مالی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با مسکو حتی بعد از وقوع جنگ اوکراین، آن‌هم هم‌زمان با اعمال تحریم‌های بلوک غرب علیه روسیه، موجب نارضایتی محافل سیاسی غرب از اعضای این شورا شده است. گویا با اعمال تحریم‌های بیشتر علیه روسیه و تلاش کشور غربی‌ها برای تعیین سقف قیمت سوخت، تمایل کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز برای همکاری بیشتر با روسیه، بیشتر شده است (Weiss & Greene, 2022).

این کشورها جزو عرضه‌کنندگان هیدروکربن‌ها در جهان هستند و ثبات بازارهای انرژی و کنترل قیمت نفت برایشان اهمیت بالایی دارد؛ به همین دلیل حاضرند در زمینه‌های مختلف از جمله «اوپک پلاس» به همکاری با روسیه بپردازند تا بتوانند نواسانات مخرب قیمت سوخت را مهار کنند. آن‌هم در شرایطی که عقب‌نشینی تدریجی آمریکایی‌ها از منطقه نیز می‌تواند دست این کشورها را در بهبود روابط با روسیه بازنماید (Galeeva, 2022).

اروپایی‌ها همواره نگران این بوده‌اند که روسیه ممکن است از منابع انرژی خود و برقراری ارتباط با تأمین‌کنندگان نفت و گاز جهان، جهت تحت فشار گذاشتن اروپایی‌ها استفاده کند (Godzimirski, 2022). عملکرد ولادیمیر پوتین هم نشان داده است که روس‌ها، هرگاه بخواهند، می‌توانند از نفت، سلاحی قدرتمند بسازند (Weiss & Greene, 2022).

بعد از وقوع بحران اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، قیمت نفت و گاز در اروپا به شدت بالا رفت و در قسمت‌هایی از اروپا، نایاب شد! به دنبال ممنوعیت تلافی جویانه صادرات انرژی به اروپا توسط روسیه، بحران انرژی در قاره سبز وخیم‌تر شد و آثار سوء محدودیت دسترسی به سوخت، بر رشد اقتصاد جهانی آشکار شد. چندین کشور اروپایی و حتی غیراروپایی با رکود اقتصادی مواجه شدند؛ اگرچه ایالات متحده می‌توانست ذخایر انرژی خود را برای رفع کمبود سوخت در بازارهای جهانی را استفاده کند، اما تأمین تقاضای رو به رشد دنیا برای انرژی و زمینه‌سازی‌های لازم، در کوتاه‌مدت، کمی دور از انتظار است (Ozili, 2022).

روسیه بزرگ‌ترین صادرکننده انرژی جهان است که تقریباً نیمی از انرژی تولیدی خود را به بازارهای خارجی می‌فرستد و این امر، بین روسیه و کشورهای که مقصد جریان سوخت بوده و اکثرشان هم اروپایی هستند، وابستگی متقابل ایجاد می‌کند. در سال ۲۰۱۹؛ ۵۳ درصد نفت، ۵۲ درصد گاز طبیعی و ۶۴ درصد کل حامل‌های انرژی صادراتی روسیه به اروپا صادر می‌شد (Godzimirski, 2022). اروپا در سال ۲۰۲۱؛ ۱۵۵ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی صادرشده از روسیه را مصرف کرده است. حال باوجود این سطح از وابستگی، خیلی عجیب به نظر نمی‌رسد که بعد از توقف صادرات سوخت از سوی روسیه، قیمت گاز طبیعی در برخی از مناطق اروپا نسبت به سال ۲۰۲۱، ۶ برابر شده است (Arman & Gursoy, 2022).

نظام‌های اقتصادی در اروپا باوجود سطح بالای توسعه‌یافتگی، در برابر کاهش عرضه انرژی روسیه، ضعف نشان داده‌اند. در این میان، کشورهای حاشیه خلیج فارس، مخصوصاً اعضای شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان یک جایگزین طبیعی برای انرژی روسیه به شمار می‌آیند. اروپایی‌ها نیز برای جبران کمبود سوخت دست به دامن کشورهای اطراف خلیج فارس شده‌اند (Galeeva, 2022). دولت‌های اتحادیه اروپا، پیش از وقوع بحران اوکراین نیز به قصد کاهش وابستگی به انرژی روسیه، به سراغ توسعه همکاری با کشورهای خلیج فارس رفته بودند (Arman & Gursoy, 2022). حتی انگلستان در نظر داشت که نفت روسیه را تا پایان سال ۲۰۲۲ کاملاً کنار بگذارد (Ozili, 2022). اما عزم جدی برای عبور از وابستگی به انرژی روسیه و رفتن به سراغ کشورهای حاشیه خلیج فارس، به بعد از وقوع جنگ اوکراین مربوط می‌شود.

خلیج فارس، منطقه‌ای است که مبدأ بیشترین حجم تجارت جهان بوده و همین مسئله بهانه‌ای گشته تا قدرت‌های بزرگ هرکدام خود را برای حضور در این ناحیه مُحق بدانند؛ کما اینکه ایالات متحده آمریکا ناوگان پنجم نیروی دریایی خود را در خلیج فارس مستقر نموده و قدرت‌های دیگری مثل هند و چین و روسیه هرکدام، جاه‌طلبی‌های خاص خود را برای کسب سهم بیشتر از تقسیم قدرت در خلیج فارس دنبال می‌کنند. خلیج فارس، از لحاظ منابع انرژی، منطقه منحصربه‌فردی است؛ کشورهای ایران، عراق، کویت، عمان، بحرین، قطر، امارات و عربستان سعودی در اطراف این خلیج واقع شده‌اند؛ بسیاری از کشورهای واردکننده نفت، سوخت موردنیاز خود را از این دولت‌ها تأمین می‌کنند (Abbasi et al., 2022) و روسیه تمام تلاش خود را خواهد کرد تا در این منطقه، مقاومتی علیه غرب ایجاد کرده و کشورهای این ناحیه را از همکاری با غرب مخصوصاً در زمینه انرژی



منصرف نماید (Archana, 2022). از طرفی برای اتحادیه اروپا به عنوان یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان انرژی، حفظ ثبات قیمت و تضمین امنیت حمل و نقل سوخت، یک امر حیاتی تلقی می‌شود و این اتحادیه، ناچار است برای رفع کمبود حامل‌های انرژی، رضایت کشورهای حاشیه خلیج فارس را برای تأمین نفت و گاز، جلب نماید (Arman & Gursay, 2022).

صرف نظر از تحلیل کاربرد نفت به عنوان یک ابزار سیاسی، نباید از ارزش اقتصادی این کالای صادراتی برای روسیه غافل شد. رفاه و مدیریت جامعه روسیه، به درآمدهای حاصله از فروش سوخت، وابستگی مستقیم دارد. روسیه در عرصه تولید و صادرات نفت، دومین رتبه را در کشورهای جهان دارد؛ همچنین دومین تولیدکننده و بزرگ‌ترین صادرکننده گاز جهان است؛ صادرات حامل‌های انرژی، بیش از ۵۰ درصد درآمد روسیه را طی سالیان اخیر، تأمین می‌کنند؛ روسیه حتی حجم عظیم ذخایر طلا و ارز خود را نیز مدیون درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز است. نفت و گازی که حقیقتاً، ستون فقرات اقتصاد روسیه را تشکیل می‌دهند (Godzimirski, 2022)؛ کنترل قیمت حامل‌های انرژی، از طریق همکاری با دیگر عرضه‌کنندگان این محصولات، یکی از انگیزه‌های اصلی روسیه برای برقراری ارتباط با کشورهای حاشیه خلیج فارس است.

مسئله دیگری که روسیه را با کشورهای منطقه خلیج فارس پیوند می‌دهد، این است که برای روسیه، امنیت در سرزمین‌های آسیای مرکزی بسیار مهم است و این امنیت از طریق مهار افراط‌گرایی در افغانستان و عدم حمایت کشورهای خلیج فارس از بنیادگرایان آن منطقه، فراهم خواهد شد. ثبات در کشورهای جنوب روسیه (قفقاز و آسیای مرکزی) و جنوب غرب آسیا، با ثبات سرزمین اصلی روسیه گره خورده است (Varma, 2022).

اجماع روسیه و ایران بر سر تأمین ثبات و امنیت مناطق مذکور، کار روسیه را برای مقابله با جرائم سازمان‌یافته در این نواحی راحت‌تر کرده است؛ این تفاهم نیز ناشی از ارزش‌های مشترکی است که این دو کشور در سطح جهان دنبال می‌کنند (Eskandari et al, 2022) اما ارتباط با دولت‌های عربی خلیج فارس نیز برای ایجاد بستری از همکاری‌ها در زمینه مهار تروریسم و افراط‌گرایی در سرزمین‌های جنوب روسیه و حتی سوریه و لیبی، جزو ضرورت‌های امنیتی روسیه تلقی می‌شود. در حال حاضر، امارات متحده عربی، عربستان و عراق، نسبت به سایر دولت‌های عربی منطقه، تمایل بیشتری برای تقویت همکاری‌های امنیتی با روسیه نشان داده‌اند؛ هرچند همکاری‌های گسترده روسیه و ایران خیلی به مذاق کشورهای عربی خوش نمی‌آید؛ با این حال دولت‌های عربی خلیج فارس فکر

می‌کنند روسیه می‌تواند ایران و ترکیه را در پیگیری خواسته‌های تجدیدنظر طلبانه‌شان در جنوب غرب آسیا مهار نماید و آمریکا نیز به‌عنوان مهم‌ترین قدرت ذی‌نفوذ در منطقه، اقدامات مؤثری در رابطه با این مسئله، انجام نداده است (Sim & Fulton, 2022).

روسیه برای محدود کردن نفوذ آمریکا و گسترش آن به سمت مرزهای روسیه و مناطق تحت نفوذ خود، به همراهی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیاز دارد. اهداف راهبردی روسیه در شورای همکاری خلیج فارس شامل موارد زیر است:

۱. تلاش برای شکستن انزوای بین‌المللی و تضعیف تحریم‌های اعمال‌شده علیه آن در پی بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و تشدید این تحریم‌ها از آغاز عملیات ویژه؛
۲. بازگرداندن اعتبار و پرستیژ خود به‌عنوان یک بازیگر اصلی در جنوب غرب آسیا، از طریق قدرت‌نمایی در این منطقه به‌عنوان یک قدرت بین‌المللی؛
۳. زیر سؤال بردن اعتبار آمریکا به‌عنوان تنها ضامن امنیت دولت‌های منطقه؛
۴. جلب اعتماد کشورهای منطقه برای برقراری روابط چندجانبه و گسترده و جذب متحدان نو (Alqedra, 2022).

روسیه قصد دارد با جمعی از کشورهای منطقه نوعی اتحاد مستمر برقرار کند و با کشورهایی که تمایلی به اتحاد با روسیه ندارند، از طریق حل‌وفصل اختلافات تاریخی و بهبود نسبی روابط، به سطحی از تعادل و سازگاری اکتفا نماید. با این نگاه سیاست خارجی روسیه با برنامه‌ریزی در دو عرصه «سیاسی-امنیتی» و «اقتصادی-نظامی» دست دوستی به سمت کشورهای حاشیه خلیج فارس دراز کرده است (Alqedra, 2022). یک مانع بزرگ، کشورهای منطقه را تا حدودی از اتحاد با روسیه بازمی‌دارد و آن این است که روسیه، با تمام طرفین اختلافات کشورهای حاشیه خلیج فارس ارتباط دارد و حاضر نیست برای حمایت از دوستان منطقه‌ای‌اش، از ارتباطات با دشمنان دوستانش صرف‌نظر کند. هر قدرت خارجی که وارد معادلات جنوب غرب آسیا شود، اگر در رسیدن به خواسته‌های خود جدی باشد، باید بداند که نمی‌تواند بی‌طرف بماند و به‌ناچار، با دوستان و دشمنانی روبه‌رو خواهد شد (Eskandari et al, 2022). حال آنکه روسیه به سطح خاصی از همکاری‌های چندجانبه با همه کشورهای منطقه، اکتفا کرده و حاضر نیست به خاطر جلب اعتماد بیشتر برخی از دولت‌های منطقه، روابطش را با برخی کشورها محدود نماید (Ahmed & Salih, 2022).

فاکتور مهم دیگری که در تحلیل سیاسی خارجی روسیه در جنوب غرب آسیا مهم است، «قدرت نرم» یا همان «نفوذ فرهنگی» این کشور است؛ قدرت نرم روسیه طی چند سال اخیر با اقدامات بشردوستانه و فرهنگی و تجاری در غرب آسیا، تقویت شده است. روسیه برای تقویت خود در این عرصه، سه هدف را در سیاست خارجی خود دنبال می‌کند:

۱. ترویج و تبلیغ با تمرکز بر جذابیت‌های فرهنگ روسی، زبان روسی و نظام آموزشی روسیه؛
۲. مقابله با تصویر منفی که رسانه‌های بین‌المللی از روسیه و سبک زندگی مردم آن درسته کرده‌اند؛
۳. روسیه امیدوار است با برگزاری متعدد جشنواره‌های بین‌المللی جوانان و دانشجویان شبکه‌عظیمی از دوستان روسیه در سراسر جهان ایجاد نماید (Varma, 2022).

درنهایت، به‌صورت جمع بدی باید گفت هدف نهایی کلیه اقدامات روسیه در خلیج فارس، استفاده از تمام ظرفیت‌های خود، برای احیای اعتبار و موقعیت قبلی خود در منطقه است و در درجه بعد، اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها شامل این موارد می‌شوند: «دسترسی به منابع سرمایه و انرژی، توسعه مناسبات با بازیگران نوظهور منطقه، جلوگیری از ظهور یا سرایت تروریسم به مناطق مستعد ناآرامی، توسعه همکاری‌ها در قبال عرضه نفت و گاز و بهره‌برداری از تحولات جنوب غرب آسیا نظیر تغییر رژیم‌ها» (Alqedra, 2022).

۳. عرصه‌های همکاری روسیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس

۳-۱. ابعاد امنیتی - نظامی - راهبردی

سعی روسیه همواره بر این بوده است که از بروز درگیری‌های نظامی در منطقه جلوگیری کند؛ این کشور بارها تمایل خود را برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین اعراب و رژیم صهیونیستی نشان داده است. جلب توجه کشورهای حاشیه خلیج فارس به مسکو برای کمک به رفع بحران‌های منطقه‌ای، گام مهمی برای تشکیل «کمربند هم‌پیمانان خاورمیانه‌ای» روسیه خواهد بود. رفتارهایی از قبیل دعوت از قطر و عربستان به سازمان شانگهای و حمایت از عضویت ایران در این سازمان را می‌توان مصادیق اجرایی این سیاست دانست (Batyuka & Morozova, 2022).

اگر رفتار امنیتی و راهبردی روسیه را در قبال منطقه بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که روسیه چهار هدف اساسی را دنبال می‌کند:

۱. تلاش برای شکستن انزوای بین‌المللی و دور زدن تحریم‌های اعمال شده از سوی غرب؛

۲. همراه کردن کشورهای منطقه با خود برای مقابله با غرب یا دست‌کم، سرکشی از برخی خواسته‌های آمریکا؛

۳. زیر سؤال بردن اعتبار و اقتدار ایالات متحده به‌عنوان تنها ضامن امنیت کشورهای منطقه خلیج فارس؛

۴. دلگرمی دادن به متحدان و شرکای منطقه‌ای و حمایت چندجانبه از آنها (Alqedra, 2022).

پس از روی کار آمدن پوتین، روسیه به دنبال تقویت حضور نظامی خود در منطقه خلیج فارس و مشارکت در اقدامات امنیتی بود. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، روابط بین آمریکا و جهان اسلام به دلیل اتهام زنی مقامات آمریکایی به اعضای شورای همکاری خلیج فارس از جمله عربستان سعودی در مورد حمایت از تروریسم، تیره شد. فدراسیون روسیه با تکیه به نگاه مشترک با دولت‌های منطقه در قبال مسئله تروریسم، از فرصت پیش آمده برای نزدیک شدن به این کشورها استفاده نمود؛ روسیه می‌داند که امنیت منطقه تنها با برقراری توازن بین ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس محقق می‌شود و ثبات منطقه، درگرو حفاظت از این توازن قدرت شکل می‌گیرد؛ مخصوصاً در شرایط فعلی که نفوذ آمریکا در منطقه رو به کاهش بوده و این مسئله، نگرانی‌های امنیتی را برای کشورهای این ناحیه در پی داشته است (Alqedra, 2022).

روسیه می‌تواند در کاهش تنش‌های منطقه‌ای به کشورهای حاشیه خلیج فارس کمک کند. ظهور و سرایت ناآرامی‌ها و تروریسم، از این رو که می‌تواند رژیم‌های منطقه‌ای را سرنگون سازد یا موجودیت این پادشاهی‌ها را به خطر بیندازد، نگرانی بزرگی برای کشورهای خلیج فارس به شمار می‌آید و دولت‌های عربی منطقه نیز می‌دانند که به کمک روسیه برای مقابله با این چالش‌ها نیاز دارند (Sim & Fulton, 2022).

کاهش فعالیت ایالات متحده در منطقه در کنار وابستگی بیش از حد کشورهای عربی خلیج فارس به آمریکایی‌ها و متحدان اروپایی‌شان، چه از نظر امنیتی و چه از نظر نظامی، شرایط خطرناکی را برای پادشاهی‌های حاشیه خلیج فارس رقم خواهد زد. از این رو، این کشورها برای رفع این وابستگی از چند سال پیش، سیاست گسترش روابط نظامی و انعقاد قراردادهای تسلیحاتی با روسیه را در پیش گرفته بودند تا شرکای امنیتی و نظامی تازه‌ای برای خود بیابند. فدراسیون روسیه با توجه به سطح فناوری تولیدات نظامی و قرابت جغرافیایی و توانمندی‌های تسلیحاتی‌اش، جایگزین مناسبی برای غربی‌ها به شمار می‌آید؛ روسیه نیز با توجه به جنبه تجاری و درآمدزایی حاصل از فروش این

تسلیمات، تمایل زیادی برای گسترش حضور خود در بازارهای صنایع دفاعی این منطقه پیدا کرده است (Alqedra, 2022). عمده این محصولات را «جنگنده‌های سوخو، موشک‌های ضد تانک کورنت، سامانه‌های ضد موشکی S-400E، پرتابگرهای TOS1 و انواع اسلحه‌های سبک» تشکیل می‌دهند (Kuimova, 2019).

صادرکردن هرکدام از این تسلیحات به یک کشور در منطقه، عامل مهمی برای شناساندن و شهرت این محصولات به کشورهای هم‌جوار نیز خواهد بود. کما اینکه فروش اسلحه به ایران پیش‌زمینه‌ای برای عرضه تولیدات نظامی روسیه به دیگر کشورهای منطقه شد؛ سرایت قراردادهایی از این قبیل، در عرصه فناوری نیز قابل‌مشاهده است؛ کما اینکه احداث نیروگاه اتمی بوشهر توسط روسیه، باعث انعقاد چند قرارداد بین کشورهای دیگر حاشیه خلیج فارس و فدراسیون روسیه در زمینه صنایع اتمی شد (Eskandari et al, 2022).

هرچند جنبه راهبردی این تعاملات و قراردادهای بسیار پررنگ‌تر از ابعاد اقتصادی و تجاری آن است. این همکاری‌ها پای روسیه را به مناسبات منطقه‌ای می‌کشانند و همین امر، کار آمریکا را برای اعمال نفوذ و ادامه رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه خود در منطقه سخت می‌کند. امروزه امارات و عربستان که متحدان سنتی آمریکا در حاشیه خلیج فارس به شمار می‌آیند، به‌عنوان شرکای سیاسی، نظامی و اقتصادی روسیه، از سوی مقامات کرملین مورد قدردانی واقع می‌شوند و این روابط عمیق بین روسیه و این دو کشور عربی، با علم به ارتباط گسترده مسکو با تهران و بغداد، توانمندی بی‌سابقه‌ای به رهبران کرملین می‌بخشد (Sim & Fulton, 2022). شرکای روسیه در منطقه، صرف‌نظر از اختلافاتی که باهم دارند، بازیگران قدرتمندی در عرصه بین‌المللی به شمار می‌آیند (Galeeva, 2022). با این حال، روابط روسیه و کشورهای منطقه، تاکنون تنها در قالب ائتلاف‌های موقتی و همکاری‌های کوتاه‌مدت بوده است. دوست و دشمن برای روسیه، در قالب روابط سیال و همکاری‌های مقطعی و تعریف می‌شود (Eskandari et al, 2022).

از بین کشورهای حاشیه خلیج فارس، عراق و ایران، در زمان و عمق همکاری با روسیه، نسبت به بقیه دولت‌های منطقه متمایز هستند. عراق و روسیه دو عضو کلیدی ائتلاف چهارجانبه مبارزه با تروریسم هستند که به همراه روسیه و سوریه، نقش مهمی در نبرد علیه داعش و سایر گروه‌های تروریستی منطقه ایفا نمودند. همه سری‌های مختلف سند امنیت ملی روسیه که در سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و ۲۰۲۱ منتشر شدند، تروریسم و جرائم سازمان‌یافته را خطرات حیاتی برای احیای

جایگاه بین‌المللی روسیه قلمداد گردد و بر لزوم همکاری با کشورهای مختلف جنوب غرب آسیا، مخصوصاً عراق و ایران به‌عنوان تأمین‌کنندگان اصلی منافع امنیتی روسیه در منطقه، تأکید داشتند؛ رهبران روسیه نیز هرگاه که لازم بوده است، چه در جنگ اطلاعاتی و چه در زمینه تسلیحاتی از دولت عراق حمایت نموده‌اند. قرارداد ۴ میلیارد دلاری برای خرید هواپیماهای جنگی و قرارداد یک میلیارد دلاری برای دریافت خودروهای زرهی در سال ۲۰۱۷، تنها دو نمونه عینی برای این حمایت‌ها هستند. بعدها این حمایت‌های امنیتی و تسلیحاتی زمینه‌ای برای همکاری در عرصه‌های دیگر شد؛ در حال حاضر روسیه امتیاز احداث پروژه‌های عظیمی را در عراق به دست آورده است و سرمایه‌گذاری‌های این کشور در زمینه توسعه زیرساخت‌های عراق، به یک عامل تعیین‌کننده در سطح مناسبات دو طرف تبدیل شده است. تشویق عراق از سوی روسیه و چین برای افزایش همکاری با گروه بریکس نیز اهمیت عراق را در تقابل با غرب بیشتر کرد چراکه همگرایی بیشتر عراق و بریکس، به معنای فاصله گرفتن از کشورهای غربی است (Ahmed & Salih, 2022).

روابط نظامی و امنیتی ایران و روسیه نیز عامل مهمی در تعمیق بُرد نظامی و اطلاعاتی روسیه در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند به شمار می‌آید. فروپاشی شوروی اولین فرصت‌ها را برای همکاری بین دو کشور به وجود آورد.

اولین قرارداد نظامی بین دو کشور در سال ۱۹۹۲ جهت خرید تسلیحات سبک و سنگین منعقد شد. اما روی کار آمدن ولادیمیر پوتین در روسیه این همکاری‌ها را به سطح بی‌سابقه‌ای رساند. در سال ۲۰۰۰ قراردادی به ارزش ۳ میلیارد دلار بین دو کشور برای فروش تسلیحات و آموزش نیروهای ایرانی در دانشکده‌های نظامی روسیه منعقد شد. طی دهه‌های بعد نیز، مسائلی نظیر مناقشه قره‌باغ، جنگ سوریه و بحران یمن، فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران را مجاب به انجام پروژه‌های دفاعی و تسلیحاتی مشترک و خرید تجهیزات نظامی ایران از روسیه برای تقویت و تثبیت موازنه قوا در منطقه نمود که به دنبال آن، کشورهای عربی مثل عربستان و امارات هم نسبت به خرید تسلیحات از روسیه تمایل پیدا کردند (Eskandari et al, 2022).

لازم به ذکر است که روابط امنیتی و نظامی بین عربستان و روسیه پس از راه‌اندازی اوپک پلاس در سال ۲۰۱۶ و سفر تاریخی سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان به مسکو در اکتبر ۲۰۱۷، دائماً در حال رشد بوده است (Weiss & Greene, 2022).

سفر لاوروف به عربستان سعودی، قطر و امارات در ماه مارس ۲۰۱۹، مناسبات بین روسیه و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را بیش‌ازپیش تقویت نمود. این سفر به انعقاد یک توافقنامه نظامی جدید بین عربستان و روسیه، انعقاد یک پیمان شراکت راهبردی بین روسیه و امارات و یک توافقنامه راهبردی دیگر در دوحه با حضور قطر، روسیه و ترکیه در رابطه با حل بحران سوریه منجر شد که در میدان عمل نیز نتایج مهمی را در پی داشت (Archana, 2022).

۲-۳. تعاملات اقتصادی- سیاسی

تعاملات اقتصادی روسیه و کشورهای خلیج فارس بعد از جنگ چین جدید بی‌سابقه‌ای یافت؛ تحولات سیاسی موسوم به بهار عربی و در ادامه آن، ظهور گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه در عین اینکه روابط عراق و ایران را تقویت نمود، برای مدت کوتاهی مناسبات بین روسیه و کشورهای عربی خلیج فارس را تعدیل نمود. حضور در این جنگ از آن‌جهت برای روسیه اهمیت داشت که تسلط بنیادگرایان بر عراق و سوریه می‌توانست جنبش‌های مشابه را در آسیای مرکزی و بین مسلمانان روسیه به وجود آورده و از آنان حمایت کند. استفاده از بازارهای منطقه‌ای، جذب سرمایه از کشورهای خلیج فارس، در کنار لزوم توسعه همکاری‌ها در قبال کنترل قیمت حامل‌های انرژی، سه محور روابط اقتصادی روسیه و کشورهای خلیج فارس را تشکیل می‌دهد. تعاملات اقتصادی به حدی در تحلیل روابط روسیه و این کشورها اهمیت دارد که بسیاری از همکاری‌های نظامی و سیاسی، خودبه‌خود جنبه اقتصادی و تجاری هم پیدا می‌کنند (Batyuka & Morozova, 2022).

روسیه برای تأمین اهداف تجاری و سیاسی خود به دنبال ایجاد روابط نزدیک و قوی با تولیدکنندگان نفت و گاز در منطقه است. کنترل قیمت نفت و گاز و مدیریت عرضه آن به بازارهای جهانی برای روسیه یک اولویت به شمار می‌آید که نسبتاً در جلب موافقت و همراهی این کشورها برای تنظیم نرخ حامل‌های انرژی، موفق عمل کرده است (Bidi, 2022).

اصلی‌ترین عاملی که روس‌ها را با کشورهای حاشیه خلیج فارس پیوند می‌دهد، قیمت حامل‌های انرژی است. نفت و گاز برای روسیه دو جنبه کاربردی دارد؛ از طرفی ستون فقرات اقتصاد روسیه است و برخی سال‌ها، تا ۷۰ درصد ارزش صادرات روسیه را شامل می‌شود (Godzimirski, 2022)؛ اما از یک منظر دیگر، یک ابزار فوق‌العاده مهم سیاسی برای اعمال نفوذ بر کشورهای واردکننده نفت و گاز است. بعد از اینکه غربی‌ها با خواسته‌های کرملین در قبال روابط اوکراین و ناتو مخالفت کردند و

جنگ اوکراین به وقوع پیوست، روسیه با محدود نمودن صادرات سوخت به اروپا و مانع تراشی برای دسترسی اروپا و آمریکا به نفت و گاز از منابع دیگری مثل کشورهای خلیج فارس، قصد دارد طرف مقابل خود را مجازات کند (Mbah & Wasum, 2022).

با توجه به شرایط پیش آمده، هماهنگی در رابطه با تولید و توزیع انرژی، در صدر اولویت‌های اقتصادی روسیه در منطقه خلیج فارس است. بیش از دوسوم ذخایر نفت کشف شده دنیا در روسیه و منطقه خلیج فارس واقع شده است. با وجود آنکه روسیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس به عنوان بزرگ‌ترین عرضه‌کنندگان نفت جهان، رقیب یکدیگر به حساب می‌آیند، اما فضای کافی جهت هماهنگی و همکاری برای حفظ تعادل در بازارهای نفت و گاز دنیا وجود داشته است تا منجر به کاهش قابل توجه قیمت‌ها نشود. شکل‌گیری منشور همکاری اوپک پلاس در سال ۲۰۱۹ و سرازیر شدن سرمایه‌های کلان کشورهای عربی اطراف خلیج فارس به روسیه در قالب صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک برای انجام پروژه‌های تجاری، کشاورزی و عمرانی گواهی بر عمق همکاری‌های اقتصادی دو طرف است. صندوق سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه موسوم به «RDIF» تاکنون توانسته است با شرکت‌های بزرگی مثل «مبادله امارات، DP World، صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان سعودی، آرامکو عربستان سعودی، شرکت سرمایه‌گذاری بین‌المللی عیار، سازمان سرمایه‌گذاری قطر، سازمان سرمایه‌گذاری کویت و ...» قراردادهای سرمایه‌گذاری مختلفی را به امضا برساند تا جایی که در سال ۲۰۱۸، سهم کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در صندوق سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه، ۵۲ درصد (عربستان سعودی ۲۲ درصد، امارات ۱۸ درصد، قطر ۸ درصد و کویت ۲ درصد) برآورد شد. ارتباط شرکت‌های عربی و روسیه می‌تواند علاوه بر تبادلات مالی، شرایط را برای دسترسی و اشتراک فناوری و فناوری نیز فراهم سازد (Alqedra, 2022).

صرف‌نظر از لزوم مدیریت انرژی، کشورهای حاشیه خلیج فارس یک جذابیت فوق‌العاده دیگر هم برای روسیه دارند. بازارهای گسترده این منطقه، مخصوصاً چهار کشور ایران، عربستان، عراق و امارات (بزرگ‌ترین شریک تجاری روسیه در بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس)، حجم عظیمی از مواد غذایی موردنیازشان را (بالاخص گندم) از روسیه وارد می‌کنند. روسیه یکی از قطب‌های اصلی تولید غلات در دنیاست و شرایط نامساعد آب و هوایی، دولت‌های خلیج فارس را عمدتاً به واردات محصولات غذایی از خارج، مخصوصاً فدراسیون روسیه وابسته کرده است. به‌طور مثال عربستان طی یک دهه گذشته، سالانه بین ۹۵ تا ۶۸ درصد مواد غذایی و بین ۴۰ تا ۶۰ درصد

جو مورد نیاز خود را از روسیه وارد کرده است. افزایش چشمگیر صادرات گندم، کاکائو، محصولات غذایی و طیور روسیه به کشورهای حاشیه خلیج فارس بعد از بحران سوریه، نشان‌دهنده فصل جدیدی از مناسبات تجاری است. در حال حاضر، تجارت غذا بین روسیه، عراق و ایران و عربستان و امارات، تقریباً یک‌طرفه و به نفع روسیه است؛ ایران و عربستان جزء ده کشور اول مقصد مواد غذایی روسیه‌اند؛ هرچند ایران نیز به روسیه میوه، خشکبار، سبزیجات و صیفی‌جات صادر می‌کند اما مقدار صادرات ایران به روسیه در زمینه مواد غذایی (۴۵۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۸) در مقایسه با واردات از روسیه (۸۵۶ میلیون دلار در سال ۲۰۱۸) کمتر است. باوجود تمایل داشتن روسیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس برای گسترش تبادل کالا، فقدان زیرساخت‌های حمل‌ونقلی و ملاحظات سیاسی، دو مانع بزرگ برای تقویت مناسبات تجاری به شمار می‌آیند که رفع آن‌ها، نیازمند عزم جدی از سوی رهبران است (Heigermoser et al, 2022, p.256).

رقبای اصلی روسیه در تأمین غلات کشورهای حاشیه خلیج فارس، سه کشور اوکراین، قزاقستان و رومانی هستند که نسبت به روسیه، سهم کمتری در بازارهای منطقه خلیج فارس دارند و با توجه به اظهارات مقامات دولتی روسیه و کشورهای اطراف خلیج فارس، سهم روسیه در سال‌های آینده بیشتر هم خواهد شد. روسیه قصد دارد تا سال ۲۰۲۴، میزان صادرات مواد غذایی خود را به عربستان به چهار برابر در سال ۲۰۱۸ برساند و تجارت محصولات غذایی با منطقه را هم از نظر تنوع و هم از نظر حجم معاملات افزایش دهد. در حال حاضر، عمده‌ترین کالاهای صادراتی روسیه به کشورهای منطقه در حوزه مواد غذایی شامل موارد ذیل است: «گندم، جو، ذرت، دانه‌های روغنی، سویا، گوشت قرمز، طیور، ماهی، کاکائو و محصولات شکلاتی».

روسیه با صادرات اقلام ذکرشده به کشورهای خلیج فارس که به واردات غذایی وابسته هستند، توانسته است روابط تجاری معناداری با کشورهای رقیب خودش در حوزه انرژی، برقرار کند. باوجود اختلافات سیاسی، حجم این تجارت غذایی انتظار می‌رود طی سال‌های آینده افزایش یابد (Heigermoser et al, 2022, p.256). پس از عملیات نظامی روسیه در اوکراین، در فوریه ۲۰۲۲، اتحادیه اروپا، تحریم‌های اقتصادی گسترده‌ای را علیه روسیه وضع کردند که فدراسیون روسیه را با مشکلات زیادی مواجه ساخت. حتی کشورهای بی‌طرف مثل سوئیس هم در اعمال این تحریم‌ها، اعلام همراهی کرده‌اند با وجود آنکه چندین کشور در اتحادیه اروپا عزم خود را برای کاهش وابستگی به واردات انرژی جزم کرده بودند، طی سالیان اخیر، اما همچنان شاهد آن بودیم که وابستگی کشورهایی

مثل آلمان، هلند، اتریش، رومانی، چک، مجارستان و اسلواکی مدام روند صعودی داشته است. به عنوان یکی از بزرگترین واردکنندگان انرژی، حفظ ثبات قیمت و تضمین امنیت حمل و نقل، سوخت برای اتحادیه اروپا حیاتی است. روسیه نیز با کاهش دسترسی اروپایی‌ها به حامل‌های انرژی، آن‌ها تحت فشار گذاشته است تا از حمایت نظامی و مالی اوکراین و تلاش برای پذیرفتن آن در ناتو دست بردارند (Arman & Gursoy, 2022).

دولت‌های حاشیه خلیج فارس از طرف اتحادیه اروپا، به عنوان یک جایگزین مناسب برای انرژی روسیه به شمار می‌آیند؛ مخصوصاً حالا که روسیه نمی‌خواهد نفت و گاز به اروپا برسد و انتقال سوخت خود به اروپا را محدود کرده است. شرایط حاضر یک فرصت استثنایی برای کشورهای اطراف خلیج فارس فراهم کرده است تا جایگاه خود را در عرصه بین‌الملل تقویت نمایند؛ چراکه پیشرفته‌ترین کشورهای اروپا در برابر کاهش عرضه نفت و گاز، ضعف نشان داده‌اند و دست به دامن دولت‌های خلیج فارس برای فرار از کمبود انرژی شده‌اند (Galeeva, 2022)؛ همچون آلمان که قطری‌ها را به انعقاد یک قرارداد ۱۵ ساله برای تأمین گاز مایع مجاب نمود (Kurmayer, 2022). روسیه برای جلوگیری از تحقق چنین مناسباتی، باید با کشورهای صادرکننده نفت و گاز در منطقه به یک همگرایی و سیاست مشترک اقتصادی دست پیدا کند؛ در غیر این صورت، در دستیابی به اهداف توقف صادرات نفت و گاز خود به اروپا، با شکست مواجه خواهد شد.

کشورهای حاشیه خلیج فارس ذاتاً کشورهای سرمایه‌داری هستند. فروش هیدروکربن‌ها درآمدهای سرشاری را برای این کشورها در پی دارد. جذب سرمایه از کشورهای ثروتمند اطراف خلیج فارس یکی از انگیزه‌های مهم روسیه برای توسعه مناسبات با این کشورهاست؛ لازم به ذکر است که شرکت‌های وابسته به کشورهای منطقه، پروژه‌های عظیمی را در خاک روسیه بر عهده داشته و دارند. به طور مثال می‌توان به حجم عظیم سرمایه‌گذاری اماراتی‌ها در چچن روسیه اشاره کرد که نقش مهمی در بازسازی شهرهای این جمهوری، بعد از جنگ چچن ایفا نمود. در شرایط فعلی که شاهد تقابل غرب و روسیه هستیم، اگر سرمایه‌های عربی به اروپا بروند، موازنه قدرت را به ضرر روسیه و به نفع اروپا تحت تأثیر قرار می‌دهند (Sim & Fulton, 2022).

توقف صادرات نفت و گاز روسیه به اروپا، منجر به بحران بنزین و گاز طبیعی و به دنبال آن، افزایش قیمت مصرف‌کننده در منطقه یورو شد. باج‌خواهی روسیه از طریق متوقف کردن صادرات حامل‌های انرژی، موج عظیمی از تورم را در اروپا آغاز نمود که اثرات منفی بر سیستم مالی اتحادیه

اروپا بر جای گذاشت. بسیاری از بانک‌های معتبر اروپایی مثل «رایفایزن‌بانک اتریش، یونی‌کردیت ایتالیا و سوسیته ژنرال فرانسه» متحمل خسارات کلان شدند؛ هزاران کسب‌وکار در اروپا در شرف ورشکستگی قرار گرفتند و هزینه زندگی، مخصوصاً قیمت مواد غذایی به طرز چشمگیری افزایش یافت (Ozili, 2022).

شاخص مهم دیگری که اقتصاد روسیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس را به هم مرتبط می‌سازد، تجارت اسلحه و صنایع نظامی است. تسلیحات بعد از نفت و گاز، اصلی‌ترین کالای صادراتی فدراسیون روسیه است؛ این کشور تلاش دارد با انعقاد قراردادهای فروش سلاح، مخصوصاً سامانه‌های موشکی و پدافندی، سهم عظیمی از بازار صنایع نظامی کشورهای منطقه خلیج فارس را از آن خود سازد. محصولات نظامی روسیه از لحاظ کیفیت، جزو پیشرفته‌ترین‌های دنیا هستند و همین مسئله باعث شده است که دولت‌های دیگر، نظیر ایران، عراق، عربستان و امارات تمایل زیادی برای خرید این محصولات از قبیل انواع تانک‌های روسی، جنگنده‌های مختلف سوخو، سامانه‌های ضد موشکی اس-۳۰۰ و اس-۴۰۰، از خود نشان دهند که درآمد کلانی را نیز برای روسیه فراهم می‌سازد (Eskandari et al, 2022; Alqedra, 2022).

جدا از همکاری‌های دوجانبه کشورهای اطراف خلیج فارس و روسیه، لازم است به حمایت‌های معنادار روسیه از عراق به‌عنوان سطحی خاص از روابط بین‌المللی اشاره نمود. روسیه در سال ۲۰۰۳ با اعزام ۳۰ دیپلمات روسی به بغداد، توانست توافق ۶ ماهه‌ای را با شورای حاکمیتی عراق منعقد نماید که عملاً تبادل نفت عراق با مواد غذایی روسیه به شمار می‌آمد. یک سال بعد، در سفری که ایاد علاوی، رئیس شورای حکومتی عراق به مسکو داشت، رئیس‌جمهور پوتین ضمن استقبال گرمی که از مهمانان عراقی خود به عمل می‌آورد، اعلام می‌کند که ۹۳ درصد بدهی‌های عراق به روسیه را می‌بخشد، بعدها که اوضاع امنیتی در عراق رو به وخامت رفت، حتی در مواقعی که سفارت روسیه در بغداد مورد حملات راکتی قرار می‌گرفت، روس‌ها دست از همکاری با عراقی‌ها برنداشته و حتی در آن شرایط هم به دنبال فرصتی جهت انعقاد قراردادهای تجاری در عرصه نفت و مواد غذایی بودند. در سال ۲۰۰۸ یک‌بار دیگر روسیه، بدهی ۱۲/۹ میلیارد دلاری عراق به روسیه را می‌بخشد و به فاصله چند روز پس از اعلام این خبر، مقامات عراق و روسیه، بر سر انعقاد یک معامله نفتی ۴ میلیارد دلاری به توافق می‌رسند. حجم سرمایه‌گذاری روسیه در عراق در بخش انرژی از سال ۲۰۱۰ تاکنون، رقم ۱۰ میلیارد دلار را نشان می‌دهد. در حال حاضر، ۱۲ درصد صادرات نفت عراق را یک

شرکت روسی به نام «Lukoil» بر عهده دارد. یک شرکت نفت روسی به نام «Rosoil» در سال ۲۰۱۲ اولین قراردادها را با اقلیم کردستان عراق و دولت عراق امضا نمود و حالا مالک ۶۰ درصد خطوط لوله نفت در کردستان است! همین شرکت در سال ۲۰۱۸ یک قرارداد با وزارت منابع طبیعی اقلیم کردستان عراق امضا نمود که بر اساس آن، سالانه ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز از این ناحیه صادر خواهد نمود (Ahmed & Salih, 2022). این‌ها تنها بخشی از همکاری‌های عمیق روسیه و عراق است. غیر از عراق، ما شاهد نزدیکی و همراهی بی‌سابقه عربستان و روسیه در عرصه انرژی هستیم؛ عربستان مدتی در تلاش بود که نقش میانجی را در بحران اوکراین بازی کند؛ به همین دلیل به تبادل پیام‌های دیپلماتیک با روسیه و اوکراین پرداخت که در نهایت منتج به حل بحران اوکراین نشد، اما همکاری بین ریاض و مسکو را برای بالا نگه‌داشتن قیمت نفت رقم زد. همراهی امارات به‌عنوان اصلی‌ترین شریک تجاری روسیه در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با این دو کشور در قالب اوپک پلاس، مزید بر علت شد تا ارزش نفت، برای مدت کوتاهی روند صعودی بگیرد (Weiss & Greene, 2022).

این قرابت با وجود آنکه به کمتر از یک سال اخیر، یعنی بعد از عملیات ویژه روسیه مربوط می‌شود، سطح جدیدی از مناسبات بین مسکو و پایتخت‌های حاشیه خلیج را رقم زد. برای مثال این همگرایی منتج به انعقاد چند قرارداد تجاری برای سرمایه‌گذاری اماراتی‌ها در بخش‌های حمل‌ونقل، املاک، گردشگری و هتلداری روسیه شد. همچنین موجب شد که عربستان، یک قرارداد عظیم برای واردات گوشت حلال از روسیه را با این کشور منعقد نماید (Archana, 2022).

نتیجه‌گیری

فدراسیون روسیه برای جلوگیری از گسترش نفوذ ایالات متحده آمریکا از جنوب غرب آسیا به سمت مناطق تحت نفوذ روسیه و برای احیای اقتدار و اعتبار شوروی، به حضور فعال در خلیج فارس و همکاری‌های درازمدت در عرصه‌های مختلف با دولت‌های پیرامون خلیج فارس نیاز دارد. برقراری چنین تعاملاتی از چهار نظر برای روسیه اهمیت دارد:

۱. تلاش برای شکستن انزوای بین‌المللی؛
۲. بازگرداندن اقتدار و نفوذ تعیین‌کننده زمان شوروی سابق در منطقه؛
۳. زمینه‌سازی برای جذب متحدان تازه؛
۴. زیرسوال بردن اعتبار آمریکا به‌عنوان تنها ضامن امنیت دولت‌های منطقه.



در کل، می‌شود اظهار داشت که روسیه به نیت «جذب سرمایه، کنترل قیمت انرژی، حفظ و جذب بازارهای گسترده برای صادرات غذا و اسلحه، تقویت همگرایی‌های سیاسی، تأمین امنیت مناطق تحت نفوذ خود و تقابل با ایالات متحده» روابط گسترده‌ای را به کشورهای حاشیه خلیج فارس شکل داده است که در سایه تحولات آینده در منطقه و جهان، موفقیت یا عدم موفقیت رهبران کرملین را در محقق ساختن اهداف خود، آشکار خواهد نمود.

References

- Abbas, M., Ahmed, A., & Abbasi, S. N. (2022). Geostrategic Significance Of Gwadar Port For Afghanistan, Central Asian Republics (Cars), Persian Gulf: Challenges And Impediments. *Webology*, 19(3), 831_840.
- Ahmed, A. J. A. S., & Salih, Y. M. (2022). The position of Iraq in Russia's foreign policy after the year 2000 AD. *Baltic Journal of Law & Politics*, 15(3), 581-599.
- Alaverdov, E. (2022). The The Importance of Regional Triangular-India-Pakistan-Afghanistan and Russian Interests in the Region. *Journal of Education Culture and Society*, 13(2), 85-94.
- ALQEDRA, A. Russian Foreign Policy Towards the GCC. *Uluslararası Kriz ve Siyaset Araştırmaları Dergisi*, 6(1), 40-72.
- Archana, A. (2022, January 31). Russia in 2021: Expanding boundaries. Retrieved from https://globalpolitics.in/pdf_file/articles/2022-Annual-Russia.pdf
- Arman, N. M., & Gursoy, B. (2022). Challenges in the regional energy complex of Russia, Ukraine, Turkey, and the European Union. *Int. J. Humanit. Soc. Dev. Res*, 6(1), 7-21.
- Batyuk, V. I., & Morozov, Y. V. (2022). Politics and Strategy of the United States, the Russian Federation, and China in the Middle East. *Herald of the Russian Academy of Sciences*, 92(4), 321-330.
- Bidi, L. (2022). Russia Assertive Return to the Middle East. Retrieved from <https://www.asjp.cerist.dz/en/downArticle/435/7/1/190027>
- Demir, Hevin & Weber-Lortsch, Philipp. (2022, April 1). Retrieved from <https://www2.deloitte.com/ch/en/pages/tax/articles/eu-and-swiss-sanctions-against-russia-and-belarus.html>
- Eskandari, A., Karami, J., & Siraki, G. K. (2022). Iran's Regional Role and Russia-US Rivalry in West Asia. *International Journal of Political Science*, 12(1), 71-90.
- Galeeva, D. (2022, August 1). Playing a Strong Hand in an Energy Crisis: The Role of the Gulf States in Boosting European Energy Security. Retrieved from <https://www.kfcris.com/pdf/51383622f56d49d7398a93d07e4d7556630e00f3179aa.pdf>
- Godzimirski, J. M. (2022). Energy, climate change and security: The Russian strategic conundrum. *Journal of Eurasian Studies*, 13(1), 16-31.
- Heigermoser, M., Jaghdani, T. J., Götz, L. (2022). Russia's Role in the Contemporary International Agri-Food Trade System. Cham, Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Kuimova, Alexandra. (2019, April 1). Retrieved from <https://www.iemed.org/publication/russias-arms-exports-to-the-mena-region-trends-and-drivers/>
- Kurmayer, Nikolaus. (2022, November 29). Retrieved from <https://www.euractiv.com/section/energy/news/germany-inks-first-major-gas-deal-with-qatar/>
- Mbah, R. E., & Wasum, D. F. (2022). Russian-Ukraine 2022 War: A review of the economic impact of Russian-Ukraine crisis on the USA, UK, Canada, and Europe. *Advances in Social Sciences Research Journal*, 9(3), 144-153.
- Ozili, Peterson K, Global Economic Consequence of Russian Invasion of Ukraine (2022). Retrieved from: <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4064770>
- Sim, L. C., & Fulton, J. (2022). 11 External powers and the UAE. *Facets of Security in the United Arab Emirates*.
- Varma, A. (2022). A COMPARATIVE ANALYSIS OF THE RUSSIAN, INDIAN AND CHINESE SOFT POWER IN WEST ASIA. Retrieved from <https://russian.uoc.ac.in/images/Doc/Assonance%2022.pdf#page=269>
- Weiss, A. & Alexander-Greene, J., 2022. What's Driving Russia's Opportunistic Inroads With Saudi Arabia and the Gulf Arabs. Retrieved from <https://policycommons.net/artifacts/2680655/whats-driving-russias-opportunistic-inroads-with-saudi-arabia-and-the-gulf-arabs/3704108/>